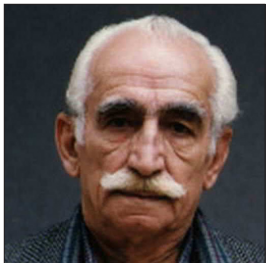


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

مرغ سحر ناله سر کن ...



جعفر بزرگی در مراسم رونمایی از کتاب «مرغ سحر»

جعفر بزرگی سیزدهم اردیبهشت ۱۲۹۶ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان هدایت و دارالفنون گذراند. با گوش کردن به صفحات مختلف گرامافونی که پدر او برای او خریده بود به استعداد درونی‌اش که پدرا او برای او خوش بود، پی برد. آموزش تئاتر را از سال ۱۳۱۲ آغاز کرد و اجرای آواز در رادیو را به صورت زنده از سال ۱۳۱۸ تجربه کرد. در سینما سیه فعالیت هنری خود را ادامه داد و با افتتاح رادیو ژاندارمری و رادیو شهربانی فعالیت هنری خود را در این مراکز پی گرفت. بزرگی کنسرت‌هایی هم به همراهی حسینعلی وزیری‌تبار و یوسفی در تئاتر تهران اجرا کرد و صفحاتی از خود باقی گذاشت. با افتتاح رادیو اصفهان، برای فعالیت در آن رادیو به اصفهان رفت. او از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۷ روزهای جمعه، نیم ساعت در رادیو خوانندگی می‌کرد که آهنگ « مرغ سحر» یکی از آن‌هاست و اغلب علاقه‌مندان موسیقی به یاد دارند که جعفر بزرگی این تصنیف مشهور را با چه سوز و حرارتی می‌خواند. او بازی در سینما را سال ۱۳۶۸ با فیلمی به نام «بچه های طلاق» به کارگردانی «تهمینه میلانی» آغاز کرد. بزرگی مجری تلویزیون هم بود و برنامه موفق و پر بیننده «سالمدان» یکی از کارهای او در این حوزه بود. از جمله فیلم‌ها و سریال‌هایی که او در آنها به ایفای نقش پرداخته می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: افسانه آه، سگ کشی، درخت گلابی، پدر سالار، مدرسه پیرمردها و…

جعفر بزرگی در تاریخ ۵مرداد ۱۳۸۵ در ۸۹سالگی دارفانی راوداع گفت.

خودزنی / محیط زیست

تعقیب و گریز شکارچی و محیط‌بان در خائیز

سه روز قبل (پنجشنبه ۱ مرداد ۹۴) نیروهای یگان محیط زیست منطقه حفاظت‌شده خائیز حین گشت و کنترل متوجه حضور یک شکارچی متخلف در ارتفاعات شدند.

محیط‌بانان حین دوربین‌کشی مشاهده کردند که فرد متخلف لاشه شکار یک رابر روی دوش خود گذاشته و در حال پایین آمدن از ارتفاعات است.

رئیس اداره محیط زیست شهرستان کهگیلویه در این باره گفت: مامورین پیش از هر اقدامی از شکارچی به‌صورت نامحسوس فیلم گرفتند اما با توجه به اینکه متخلف صورت خود را کاملاً پوشانده بود، در صورت بروز درگیری و فرار کرن شکارچی، امکان شناسایی وی و جود نداشت. سیدقدرت‌الله علیپور اظهار داشت: متخلف حین پایین آمدن از کوه در یک لحظه پارچه روی صورت خود را برای پوشیدن آب کنار می‌زند و همین چند لحظه برای ثبت تصویر و شناسایی وی کافی بود. مامورین پس از اطمینان از ثبت تصویر متخلف، در مسیر حرکت وی به سمت پایین‌دست به کمین نشستند.

شکارچی متخلف همچنان که لاشه شکار را بر روی دوش خود حمل می‌کرد به چند متری محل کمین محیط‌بان رسیده و با فرمان ایست محیط‌بان مسلح مواجه شد. هدایت‌الله دیده‌بان، محیط‌بانی که باشکارچی متخلف درگیر بود در این مورد گفت: شکارچی متخلف که با مشاهده من و همکارانم لحظاتی شوکه شده بود، لاشه شکار را از روی دوش خود به زمین انداخت و بلافاصله اسلحه کلاشینکف را مسلح کرده و به سمت من نشانه گرفت. دیده‌بان گفت: شکارچی متخلف چندین بار من را تهدید به مرگ کرد و با لهجه محلی گفت اگر جلو برویم ما را خواهد کشت.

بارها تذکرات قانونی را به متخلف گوشزد کرده و از وی خواستم سلاح خودش را روی زمین گذاشته و تسلیم شود اما به هیچ عنوان حاضر به تسلیم نبود.

شکارچی متخلف همانطور که با اسلحه در حال تهدید کردن و عقب عقب رفتن بود تعادل خود را از دست داده و به زمین خورد که بهترین فرصت بود تا طبق قانون بکارگیری سلاح از قسمت کمر به پایین به وی شلیک کنم اما با توجه به اینکه فیلم متخلف ثبت و خود وی نیز کاملاً شناسایی شده بود لزومی به تیراندازی مستقیم به وی نبود.

چندین گلوله غیر مستقیم به سمت متخلف و در اطرافش شلیک کردم تا باعث تسلیم شدن وی شود اما شکارچی متخلف همچنان با تهدید اسلحه به سمت کوه حرکت کرده و در نهایت گریخت. باضبط لاشه یک بز وحشی و تصاویر تهیه‌شده به عنوان مدرک جرم، پرونده‌ای در این زمینه در مراجع قضایی تشکیل و متهم جهت بازجویی و رسیدگی به جرم حمل سلاح جنگی، شکار غیرمجاز، درگیری و تهدید به قتل مامورین دولت حین انجام وظیفه به دادگاه احضار خواهد شد.



فارسی را پاس بداریم

نقش از دواج یاسین رامین با مهناز افشار در زبان فارسی

ما مردم ایران از شایعه و حاشیه خوشمان می‌آید. یکی از حواشی اخیر در فضای مجازی و ایضا رسانه‌های ما اجرای ازدواج یاسین رامین با مهناز افشار و بچه‌دار شدن این زوج ودعور سر محل تولد فرزند آنها است. یاسین رامین پسر محمدعلی رامین است که زمانی در دولت احمدی‌نژاد معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد بود. چند روز پیش در یکی از خبرگزاری‌های وزین، از روزنامه‌نگاری محترم یادداشتی خواندم در باره واکنش یاسین رامین به حواشی‌ای که در باره ازدواج او و محل تولد و نام فرزندش بر سر زبان‌ها افتاده یا بهتر بگویم در شبکه‌های مجازی به راه افتاده. ما کاری به این حاشیه‌ها نداریم. مضمون یادداشت فوق‌الذکر هم به ما مربوط نیست و نه آن را تأیید می‌کنیم و نه رد. اساساً در این ستون ما فقط با صورت و زبان نوشته‌ها سر و کار داریم و فارغ از مضمون و محتوا اشتباهات قلمی روزنامه‌نگاران عزیز را از نظر می‌گذرانیم، البته تا آنجا که در حد وسع علمی مان باشد. روزنامه‌نگار محترم در جایی از یادداشت خود آورده است: «آنچه سبب شده تا اینچنین پیام‌های مخاطبان تازه آنهایی‌شان که قابل تأیید باشند ـ اینچنین تند و تلخ باشند،

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

چرا برتر اندر اسل اوقاتش از دست مصدق تلخ بود؟

«یاد گذشته و اندیشه آینده:در تاریخ ایران و صنعت نفت ایران» منتشر شد

«یاد گذشته و اندیشه آینده» مجموعه‌ای از مقالات محمدعلی موحد است که به تازگی از سوی نشر نگاره آفتاب منتشر شده است. تأکید بیشتر مقالات بر ماجرای صنعت نفت ایران و تاریخ پرفراز و نشیب آن است.

محمدعلی موحد در دو زمینه پژوهش‌های بنیادی و راهگشا دارد، یکی در باره ملی شدن صنعت نفت ایران و مسائل حقوقی آن و دیگری در باره مولانا و زندگی و اندیشه‌های او. دلبستگی‌های تاریخ‌پژوهی موحد همه تاریخ ایران را در برمی‌گیرد. کتاب «یاد گذشته و اندیشه آینده» که مجموعه‌ای از مقالات اوست، نموداری از همین دلبستگی‌های تاریخ‌پژوهی موحد است اما تأکید بیشتر مقالات بر ماجرای صنعت نفت ایران و تاریخ پرفراز و نشیب آن است.

این کتاب با یادداشتی از علی میرزایی، گردآورنده و ویراستار کتاب آغاز می‌شود. میرزایی در این یادداشت به جامعیت علمی موحد و احاطه او بر موضوعات گوناگون تحقیقی اشاره می‌کند. این مقالات پیش از انتشار در این کتاب، در مجله «نگاه‌نو» به سردبیری علی میرزایی منتشر شده بودند. پس از نوشته مدیر انتشارات نشر نگاره آفتاب یادداشت کوتاه موحد آمده است. موحد در نوشته آغازین خود اشاره به الزامات تاریخ‌نویسی دارد.

«کسروی و تاریخ مشروطه او»، «ناگفته‌هایی از ماجرای یکصد ساله نفت»، «چرا برتراند راسل اوقاتش از دست مصدق تلخ بود؟»، «بازخوانی پرونده اتحاد اسلام نادر»، «ملاحظات آسیب‌شناسانه در تاریخ‌نویسی ایران»، «فصلی از تاریخ تحولات حقوقی ایران»، «رضاخان سردار سپه: از فرماندهی کل قوا تا اریکه سلطنت، بهمن ۱۳۰۳ – آبان ۱۳۰۴»، و… عناوین برخی از مقالات این کتاب است.

گردش روزگار برعکس است



تو کز محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهند آدمی

طرح: بهروز فیروزی

با کاروان حله / اخبار هنر

افشاگری پورناظری در مورد یک سرقت هنری



سهراب پورناظری در مراسم رونمایی از آلبوم «شبگرد کولی‌باد» در باره سرقت یکی از آثارش از سوی مدیر سابق دفتر موسیقی سخن گفت.

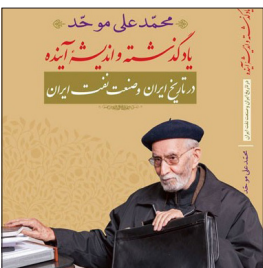
او در مراسم رونمایی از آلبوم جدید خود که یکشنبه چهارم مرداد ماه در تالار وحدت برگزار شد، در مورد این نامه گفت: «سال ۸۹ یا ۹۰ برای برگزاری کنسرتی به همراه برادرم و علیرضا قربانی قصد داشتیم به آمریکا برویم، اما در لحظه آخر مشکلی

برای طهمورث پیش آمد و من و آقای قربانی مجبور شدیم دو نفری برویم و کنسرت را برگزار کنیم، روزی یکی از دوستان نوازنده را به ما معرفی کردند به نام رویبک آروتریان که نوازنده ساز دودوک هستند. بعد از آن من آقای آروتریان را دعوت کردم به استودیو بیابند و آلبوم «شبگرد کولی‌باد» ضبط شد اما من برای انتشار این آلبوم دست‌نگه داشتم تا زمان مناسب این اثر برای انتشار برسد.»

این اهنگساز افزود: «من نسخه‌ای را جهت تمرین به هنرجوهایم دادم. بعد از مدتی یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت این کار که هنوز منتشر نشده روی یک تله فیلم پخش شده است و اهنگسازش آقای پیروز ارجمند است. این شکاف از آنجا شروع شد که آقای مرادخانی، آقای پیروز ارجمند را برای سمت رئیس دفتر موسیقی انتخاب کردند و من این مسئله را در آن زمان در میان گذاشتم و یکی از دلایلی که سه ماه زمان گذشت تا آقای ارجمند معرفی بشوند برای این پست همین دلیل بود.»

زگفت وگو نیامد صید جمعیت به بند ما مگر از سعی خاموشی نفس گیرد کمند ما کمین ناله‌ای داریم در گرد عدم بیدل! ز خاکستر صدای رفته می جوید سینما ما... (مولانا عبدالقادر بیدل دهلوی، قرن یازدهم، غزلبات)

سوت پایان



«یاد گذشته و اندیشه آینده؛ در تاریخ ایران و صنعت نفت ایران» نویسنده: محمدعلی موحد گردآورنده: علی میرزایی ناشر: نگاره آفتاب شمارگان: هزار نسخه قیمت: ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان صفحه ۲۵۰

اعمال و هزینه خطاهای بازیگران سیاسی که به قهرمانان ملی تبدیل می‌شوند بر عهده ملت‌ها می‌افتد و چنین است که ملت آلمان نمی‌تواند خود را از مسئولیت تباهکاری‌های هیتلر مبرا سازد و غرامت حماقت‌های صدام گردن گیر مردم عراق می‌شود و مردم لیبی حساب خُل بازی‌های قذافی را می‌پردازد. پس نخست موعظه پیر تاریخ بر مردم زمان ما این است که بازیگران عرصه سیاست را، هر چه هم عزیز و محبوب باشند، در مهار خود نگاه دارند و از بلندپروازی‌های ناستجیده آنان جلوگیری نمایند....»



فرهادورضا یزدانی خواننده فیلم‌هایم هستند



مسعود کیمیایی گفت: «مرحوم فرهاد و رضا یزدانی خواننده موسیقی فیلم‌هایم هستند به همین خاطر پیشنها دادم برای حفظ فضای نوستالژیک، این آثار بدون خواننده اجرا شوند». کیمیایی در خصوص اجرای آثارش در شبی با عنوان «شب موسیقی فیلم‌های مسعود کیمیایی» گفت: «این حس هنرمندانه بهزاد عبیدی بوده که در مقام یک موسیقیدان یادی از فیلم‌های من کرد. گفته و پیشنها د آقای عبیدی برانم شغف‌آور بود.

همچنین ایشان وقتی مدیر اجرایی این کنسرت را معرفی کرد متوجه شدم انسان دانسته کار است بنابراین آقای شجاعی اجازه و مجوز مراحل اجرای کار را انجام دادند. «کیمیایی با اشاره به همکاری خود با بهزاد عبیدی در مقام رهبر ارکستر بیان داشت: «بهزاد عبیدی سازنده آخرین موسیقی فیلم من بوده و من در این کار با او آشنا شدم. به عقیده من موسیقی این فیلم واقعا موسیقی است و آرایش نیست. زمانی که پیشنها د کرد از موسیقی‌های متن فیلم‌های من یک اجرا صورت گیرد بسیار خوشحال شدم.» این کارگردان مطرح سینمای ایران در باره حضور رضایزدانی در این پروژه گفت: «من از همان ابتدای شکل‌گیری کار پیشنها دادم این آثار برای حفظ فضای نوستالژیکشان بدون خواننده اجرا شوند و ارکستر نیز یک اجرای تازه از این آثار داشته باشد. البته رضایزدانی خواننده برخی از این موسیقی‌هاست و قرار است در این کنسرت حضور داشته باشد و قطعا این فضا حفظ خواهد شد.» کنسرت «شب موسیقی فیلم‌های مسعود کیمیایی» ۱۶ مردادماه توسط موسسه فرهنگی هنری گلچین آوای شرق به رهبری بهزاد عبیدی در تالار بزرگ وزارت کشور برگزار می‌شود.

-لزومی نداشته نویسنده محترم آنچه را که می‌خواهد درباره «پیام‌های مخاطبان» بنویسد در قالب جمله معترضه بیاورد؛ آن هم یک جمله معترضه غلط و...

اگر بخواهم قد و قواره این ستون را در نظر بگیرم و از اطناب و حشو بپرهیزم باید عرض کنم که یکی از شکل‌های درست جملات فوق از این قرار می‌توانست بود: «آنچه سبب شده که حتی پیام‌های قابل تأیید مخاطبان اینچنین تند و تلخ باشد، خاطره‌ای است که نام خانوادگی رامین در ذهن‌ها زنده می‌کند.»

در جای دیگری از این یادداشت آمده است: «شما که حالا از حفظ حرمت اشخاص سخن می‌گویید، هیچ‌گاه از رفتاری که پدرتان در این تحریریه با آن تحریریه به جوانان مردم‌داشت آیت‌نقاد می‌کردید؟» پیشنها ستون زین قندپارسی برای اصلاح جمله اخیر این است: «شما که امروز از حفظ حرمت اشخاص سخن می‌گویید، از رفتاری که زمانی پدرتان در این تحریریه با آن تحریریه با جوانان مردم داشت، هرگز انتقاد می‌کردید؟»